

عارف نوشاهی

ترجمه شیوا امیرهدایی
(پژوهشگر فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

نگاهی به چند روایت غیر مستند در تذکره بحر زخار

۱۳۸-۱۳۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

عارف نوشاهی

چکیده: بحر زخار تذکره‌ای فارسی از وجیه الدین اشرف است که در ۱۲۰۲ ق/ ۱۷۸۸ م. در دست تألیف بوده ولی از تاریخ پایان نگارش آن و یا تاریخ ولادت و درگذشت نویسنده، اطلاعی در دست نیست. بحر زخار تذکره عمومی بزرگان دینی سلسله‌های طریقت مختلف مخصوصاً بزرگان دینی شبه قاره است. در این کتاب شرح حال ۲۸۰۰ تن درج شده که از آن میان ۲۰۰۰ نفر از شبه قاره‌اند. تاکنون دو جلد از این تذکره با تصحیح و تدوین آذرمیدخت صفوی چاپ شده است. هر دو جلد با همکاری مرکز تحقیقات فارسی دانشگاه اسلامی علی‌گه‌ره و مرکز تحقیقات فارسی رابزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ م. منتشر شده و به قول مصحح، جلد سوم آن نیز در دست چاپ است که با به چاپ رسیدن جلد سوم، انتشار آن کامل خواهد شد. مطلب پیش رو، ترجمه مقاله‌ای با عنوان «تذکره بحر زخار کی بعض غیر مستند روایتین» است که در مجله معارف ژوئن ۲۰۱۵ م. شماره ۶/۱۹۵ به طبع رسیده است و نگاهی به چند روایت غیر مستند در تذکره مذکور دارد.

کلیدواژه: تذکره فارسی، بحر زخار، وجیه الدین اشرف، بزرگان دینی، شبه قاره، سلسله‌های طریقت، تذکره عمومی.

Having a Look at Some Undocumented Hadiths in *Bahr-e Zakhār Tadhkirah*

By: Āref Noshāhi

Translated by: Shīvā Amīrḥodāie

Abstract: *Bahr-e Zakhār* is a Persian Tadhkirah (memorandum), by Vajih od-Dīn Ashraf, which was being written in 1202 AH, but no information is available on the date of finishing its writing or the date of the author's birth and death. *Bahr-e Zakhār* is a general Tadhkirah about the religious leaders of different tariqas especially the subcontinent religious leaders. This book contains the biography of 2800 religious leaders out of which 2000 are from subcontinent. So far, two volumes of this book have been published, corrected and compiled by Azarmeidokht Safavi. Both of these volumes have respectively been published in cooperation with the Center of Persian Research of the Islamic university of Aligere and the Cultural Center of I.R. Iran in New Dehli in 2012, and 2014. According to the editor, the third volume is also going to be published very soon, and its publication puts an end to this series. The following paper is the translation of an article titled «Tadhkirah *Bahr-e Zakhār* ki Bayz-e Gheir-e Muṣṭanad Revaiatein» which was printed in Ma'arif journal (No. 6/195) in June 2015. It is going to review some of the undocumented hadiths in this book.

Key words: Persian Tadhkirah, *Bahr-e Zakhār*, Vajih od-Dīn Ashraf, religious leaders, subcontinent, tariqa, general Tadhkirah.

تأملات في بعض الروايات غير المُنسدة الواردة في تراجم كتاب البحر الزخار

عارف نوشاهی

البحر الزخار هو كتاب تراجم وبسیر باللغة الفارسیّة من تألیف وجیه الدین اشرف، الذي كان مشغولاً بتأليفه في السنة ۱۲۰۲ هـ / ۱۷۸۸ م، ولكننا نجعل تاريخ انتهائه من تأليفه، كما نجعل تاريخ ولادة مؤلفه أو تاريخ وفاته.

والبحر الزخار هو كتاب يشتمل على تراجم عامة لمشاهير رجال الدين من الطرق المختلفة، وعلى الخصوص كبار رجال الدين في شبه القارة الهندية. وقد ضم بين دفتيه تراجم ۲۸۰۰ شخصاً كان المنتسبون منهم لشبه القارة الهندية ۲۰۰۰ شخص.

وقد تم حتى الآن الانتهاء من طباعة مجلدين من هذا الكتاب قام بتصحيحهما وتحقيقهما آذرميدخت صفوي، وقد صدر المجلدان بالتعاون مع مركز الدراسات الفارسية في جامعة عليكرة الإسلامية ومركز الدراسات الفارسية التابع للملحقة الثقافية في سفارة الجمهورية الإسلامية في إيران في دهلي في السنتين ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ على التوالي. أما الجزء الثالث فهو كما يقول المصحح في مرحلة الطباعة النهائية، وبصدوره يكتمل صدور جميع أجزاء الكتاب.

أما المقال الحالي فهو ترجمة لمقالة بعنوان (تذکره بحر زخار کی بعض غیر مستند روایتین) مطبوعة في العدد ۶/۱۹۵ الصادر في حزيران ۲۰۱۵ م من مجلة المعارف، وفيه تأملات في بعض الروايات غير المستندة التي وردت في هذا الكتاب.

المفردات الأساسية: التذكرة الفارسية، البحر الزخار، وجیه الدین اشرف، أعظم الدين، شبه القارة الهندية، شيوخ الطريقة، كتاب التراجم العامة.

نگاهی به چند روایت غیرمستند در تذکره بحر زخار

— عارف نوشاهی

— ترجمه شیوا امیرهدایی

بحر زخار؛ آذر میدخت صفوی؛
جلد ۱ و ۲، دهلی: مرکز تحقیقات
فارسی رایزنی فرهنگی سفارت
جمهوری اسلامی ایران، ۲۰۱۲ و
۲۰۱۴.

بحر زخار تذکره‌ای فارسی از وجیه‌الدین اشرف است که در ۱۲۰۲ ق/ ۱۷۸۸ م در دست تألیف بوده است، ولی از تاریخ پایان نگارش آن یا تاریخ ولادت و درگذشت نویسنده اطلاعی در دست نیست. وجیه‌الدین اهل لکهنو (اوده) بود و گفته‌اند در جونپور دفن شده است.^۱ بحر زخار تذکره عمومی بزرگان دینی سلسله‌های طریقت مختلف مخصوصاً بزرگان دینی شبه قاره است.

در این کتاب شرح حال ۲۸۰۰ تن درج شده است که از آن میان ۲۰۰۰ نفر از شبه قاره‌اند.^۲ تا کنون دو جلد از این تذکره با تصحیح و تدوین دکتر آذر میدخت صفوی چاپ شده است. هر دو جلد با همکاری مرکز تحقیقات فارسی دانشگاه اسلامی علی‌گروه و مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در دهلی به ترتیب در سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۱۴ م منتشر شده و به قول مصحح، جلد سوم آن نیز در دست چاپ است که با به چاپ رسیدن جلد سوم انتشار آن کامل خواهد شد.^۳

بررسی کل صفحات چاپ شده (۶۵۹+۷۸۷=۱۴۴۶ ص) مستلزم فرصت و حوصله و دقت نظری است که فعلاً برای این جانب میسر نیست. شاید این توفیق نصیب محقق جوان شود که بتواند نظری جامع درباره محاسن و معایب این تذکره بدهد. البته به بنده فرصتی دست داد تا در جلد دوم تذکره مذکور شرح حال چند تن از بزرگان سلسله خودم (نوشاهیه) مندرج در صفحات ۱۴۲-۱۴۹ را به دقت مطالعه کنم.

ما ضرب المثلی پنجابی داریم که می‌گوید: «یک دانه از دیگ مژه شود، مژه کل دیگ معلوم می‌شود». به مصداق همین ضرب‌المثل، بنده نیز شرح حال چند تن از بزرگان سلسله خود را مطالعه کردم و با توجه به روایات غیرواقعی مندرج [در آن] نظر مثبتی به این تذکره ندارم و آن را تذکره‌ای غیرمستند می‌دانم که لازم است با احتیاط کامل استفاده شود. با وجود اینکه خیلی پیش از تألیف بحر زخار چند تذکره فارسی حاوی شرح حال بزرگان سلسله نوشاهیه تألیف شده بود، مؤلف هیچ‌یک از آنها را به عنوان مأخذ به کار نبرده است. از جمله تذکره‌های مستقلی که درباره سلسله قادریه نوشاهیه موجودند به ترتیب تاریخ تألیف عبارتند از:

۱. احوال و مقامات نوشته گنج‌بخش، تألیف میرزا احمد بیگ لاهوری، تاریخ تألیف ۱۱۰۷ ق/ ۹۶-۱۶۹۵ م، (چاپی).

۲. ثواب المناقب، تألیف محمد ماه صداقت‌کنجاهی، تألیف ۱۱۲۶ ق/ ۱۷۱۴ م، (چاپی).

۳. تذکره نوشاهیه، محمد حیات نوشاهی، تألیف ۱۱۴۶ ق/ ۳۴-۱۷۳۳ م، (چاپی).

۴. تحایف قدسیه، پیرکمال بن عثمان لاهوری، تألیف ۱۱۸۶ ق/ ۱۷۷۲ م، (نسخه خطی).

۵. مرآت الغفوریه، امام بخش لاهوری، تألیف ۱۱۹۰ ق/ ۱۷۷۶ م، (چاپی).

۶. کنز رحمت، محمد اشرف منچری، تألیف ۱۲۲۰ ق/ ۱۸۰۵ م، (چاپی).

۱. رک به: صفوی، آذر میدخت، مقدمه بحر زخار، ص ۲۱-۲۳.

۲. رک به: همان، ص ۲۴.

۳. همان، ص ۳۲.

تاریخی به نام شریف‌التواریخ نوشته که در آن هیچ اشاره‌ای به محمدتقی شاه و پیرعلی شیر نشده است.

حال بنده به مطالبی از بحر زخار اشاره خواهم کرد که هیچ سندیتی بر اساس تذکره‌های ما ندارند. پاره‌ای از اشتباهات به خاطر قرائت متن پیش آمده که مسئولیت آن به عهده مصحح کتاب است.

در شرح حال حاجی محمد نوشه

شجره‌طریقتی که برای شاه سلیمان نوشته شده (ص ۱۴۲) کاملاً اشتباه است. جای بسی تأسف و حیرت است که در این شجره‌نامه نام شاه معروف چشتی دوبار آمده و مصحح هیچ اعتراضی به این امر نکرده است! شجره‌طریقت صحیح شاه سلیمان چنین است:

مرید شاه معروف چشتی قادری و او مرید شاه مبارک حقانی اوچی و او مرید محمد غوث اوچی و او مرید شمس‌الدین گیلانی و او مرید شاه میرگیلانی و او مرید علی گیلانی و او مرید مسعود گیلانی و او مرید احمد گیلانی و او مرید صفی‌الدین گیلانی و او مرید عبدالوهاب گیلانی و او مرید شیخ عبدالقادر گیلانی سرسلسله قادریه.^۵

چندین بار هم نام «منگو» به اشتباه «منکو» درج شده است.

مولدش چک سنهال که بررود چناو داشت، به خانه گلابی رو نمود، بدین سبب به اسم آن حضرت لفظ «گلابی» ضم است. (ص ۱۴۳)

عبارت فوق دارای چند اشتباه است. چک سنهال یقیناً چک سهن پال است که مولد حضرت نوشه نیست، بلکه مسکن و مدفن ایشان است. مولد ایشان روستای گهوگانوالی است.

صورت صحیح چناو، چناب و گلابی کلالی است. مصحح صورت صحیح را در حاشیه آورده و لفظ غلط را در متن درج کرده است!

«به عمر دوازده سالگی به خدمت حضرت سلیمان ابن منکورفت ...» (ص ۱۴۳) سپس ماجرای بیعت حضرت نوشه را نوشته است.

اینکه حضرت نوشه در دوازده سالگی به حضور شیخ سلیمان

در بحر زخار شرح حال بزرگان سلسله نوشاهیه که در ذیل نام می‌بریم درج شده است:

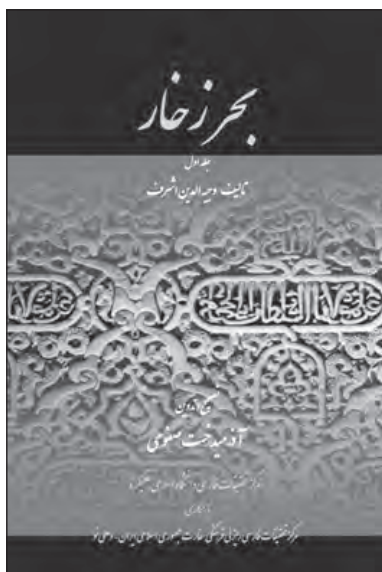
۱. حاجی محمد نوشه (گنج بخش) مؤسس سلسله، ص ۱۴۲-۱۴۳
۲. بخت جمال، ص ۱۴۴
۳. پیرمحمد سچیار، ص ۱۴۴-۱۴۵
۴. شاه رحمت‌الله، ص ۱۴۵
۵. محمدتقی شاه دهلوی، ص ۱۴۶
۶. پیرعلی شیر، ص ۱۴۷-۱۴۸
۷. شاه محمد رهتاسی، ص ۱۴۸

مؤلف بحر زخار در ذکر حالات بزرگان نوشاهی به درج روایت‌های شفاهی از «حضرت پیرشیر» بسنده کرده است، (ص ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵) همچنین روایت‌های شفاهی از محمداعظم لاهوری (ص ۱۴۴) درج کرده و به خلاصه‌التواریخ (ص ۱۴۸) استناد کرده است. به حضرت پیرشیر ذیل عنوان «حضرت پیرعلی شیر» (وفات ۵ جمادی الثانی ۱۲۰۲ق) به طور جداگانه پرداخته و ایشان را پسر و خلیفه محمدتقی شاه دهلوی دانسته است. مؤلف بحر زخار با پیرعلی شیر روابط شخصی داشت. یک بار در ۷ جمادی الثانی ۱۲۰۱ق که پیرعلی شیر از فرخ آباد به لکهنو آمد، در منزل مؤلف اقامت کرد. (ص ۱۴۸) به قول مؤلف بحر زخار محمدتقی شاه دهلوی مرید شاه رحمت‌الله بود و او مرید پیرمحمد سچیار و او نیز مرید حاجی محمد نوشه گنج بخش بانی این سلسله بود. با این احتساب پیرعلی شیر نیز نوشاهی محسوب شده [است]، در حالی که نامی از ایشان در تذکره‌های خاندانی ما موجود نیست و نامی از محمدتقی شاه دهلوی در میان مریدان رحمت‌الله در تذکره‌های نوشاهیه نیامده است. در بحر زخار موطن رحمت‌الله شاه سادهوره از توابع گجرات درج شده، در حالی که یکی از خلفای معروف پیرمحمد سچیار رحمت‌الله شاه بیگووالیه (وفات ۱۱۸۴ق) بوده و بیگووالا در بخش سیالکوت واقع شده است.^۴

با یک نگاه سرسری چنین به نظر می‌رسد که در دهلی و اطراف آن شاخه‌ای از نوشاهیه منسوب به پیرعلی شیر و محمدتقی شاه وجود داشته که مورخین سلسله نوشاهی در غرب پنجاب از آن بی‌خبر بوده‌اند. مورخ مستندنویس سلسله نوشاهی جناب شریف احمد شرافت نوشاهی (۱۹۸۳-۱۹۰۷م) کتابی بی‌نظیر از نظر مستندات

۴. رک به: شریف احمد شرافت نوشاهی، شریف‌التواریخ، ساکن پال، ۱۹۸۳م، ج ۳، بخش ۲، ص ۱۵۲-۱۲۰.

۵. رک به: تذکره نوشاهیه، ۱۴.



اینکه بخت جمال و شاه‌نتهی را پسران حضرت نوشه بدانیم کاملاً غلط و گمراه‌کننده است. دو پسر حضرت نوشه محمد برخوردار و محمد هاشم نام داشتند. ماجرای ترک تمام خادمین پیرمحمد سچیار او را در زمان بیماری، در تذکره‌های ما نیامده و غیرمعتبر است.

در شرح حال شاه پیرمحمد انباسی (کذا: رهتاسی) [گفته است]:

در بحر زخار نسبت او انباسی و در حاشیه کتاب رهتاسی نگاشته شده است. او را مرید حضرت حاجی محمد نوشه دانسته و با استناد به خلاصه التواریخ و رساله مبدأ و معاد مطالبی درباره او نوشته است. در تذکره‌های خاندانی ما از مرید و خلیفه‌ای از حاجی محمد نوشه به نام شاه محمد رهتاسی یاد شده است، ولی هیچ‌یک از مطالبی که درباره وی در بحر زخار درج شده در تذکره‌های ما نیست.

مصصح بحر زخار در مقدمه‌هایی که بر هر دو جلد نوشته مضامین تکراری درج کرده است. مثلاً در مقدمه هر دو جلد فهرست مضامین کتاب درج شده و مجدداً فهرست کتاب به صورت جداگانه در ابتدای هر یک از جلدها درج شده است. نسخه‌های خطی مورد استفاده برای تصحیح در هر دو جلد عیناً معرفی شده، به جز یک نسخه که بعداً به دست مصصح رسیده است، در حالی که فقط معرفی این نسخه در جلد دوم کافی بود. لازم بود که در باب معایب و محاسن کتاب به طور مفصل نوشته می‌شد، ولی مصصح مطلبی جز چند جمله تعریفی کلیشه‌ای ننوشته و به نقاط ضعف آن اشاره نکرده است. شرح حال مؤلف حتی اگر از منابع دیگر به دست نمی‌آمد، می‌شد اطلاعات پراکنده در کتاب را در این مورد جمع‌آوری کرد، ولی حتی این کار هم نشده است. مثلاً در مقدمه ذکر نشده که مؤلف با حضرت پیرعلی شیرازتباط شخصی داشت و در ۱۲۰۱ ق در لکهنو میزبان وی بود. (ج ۲، ص ۱۴۷) میرمحمد نعمان بدخشی در آگره به پدر بزرگ مؤلف زنگار ساختن آموخته بود و این هنر بعدها نسل به نسل در خانواده مؤلف

(بهلولی) رسیده باشد درست نیست. اگرچه در تذکره‌های خاندانی ما نیز سن [مریدی] مشخص نشده است، ولی با توجه به تسلسل وقایعی که درباره زندگی حضرت نوشه در این تذکره‌ها درج شده می‌توان حدس زد که ایشان وقتی مرید شدند بیش از دوازده سال داشتند. تمام وقایعی که مؤلف بحر زخار درباره بیعت وی نگاشته ساختگی است و در هیچ منبع دیگری گفته نشده است. از میان خلفای حضرت نوشه در کنار نام شاه عبدالرحمن پاک‌بهری لقب «چهاپه‌گیر» درج شده (ص ۱۴۳) که معلوم نیست چه مفهومی دارد؟ در تذکره‌های ما چنین لقبی در کنار نام ایشان نوشته نشده است. همه شغل ایشان را گازی (رخت‌شور) نوشته‌اند.

نام یکی از خلفای حضرت نوشه [فردی به نام] شاه نهال آمده و درباره مجاهدات وی نوشته شده است، (ص ۱۴۳) [در حالی که] در تذکره‌های خاندانی مابین مریدان حضرت نوشه شاه نهال نیست. به جای آن چوهدری نهال مانگت هست که در ضمن احداث مسجد شیخ خود خادم آنجا بوده است.

نام یکی از خلفای حضرت نوشه حاجی عبدالرحمن دهلوی درج شده است. (ص ۱۴۳) این شخص خلیفه مستقیم حضرت نبود، بلکه مرید یکی از خلفای آن حضرت به نام پیرمحمد سچیار بود. محمدماه صداقت‌کنجاهی صاحب ثواقب المناقب مرید همین حاجی عبدالرحمن بود و شرح حال مستند وی در ثواقب درج شده است.

در شرح حال حضرت بخت جمال

الولد سرلابیه حضرت بخت جمال خلف و خلیفه حضرت حاجی نوشه. (ص ۱۴۴)

این نهایت بی‌اطلاعی مؤلف بحر زخار را نشان می‌دهد که بخت جمال را پسر و خلیفه حضرت نوشه دانسته است. بخت جمال پسر محمد بیگ و خلیفه پیرمحمد سچیار بود. او به دوره بعد از حضرت نوشه تعلق دارد و درست صدسال بعد از وفات حضرت نوشه (۱۰۶۴ ق) یعنی در ۱۱۶۴ ق فوت کرده است.^۶

در شرح حال پیرمحمد [آمده است]:

حضرت حاجی نوشه را پسران بودند مثل حضرت بخت جمال و شانتهی. (ص ۱۴۴)

۶. رک به: شریف التواریخ، ج ۳، ح ۲، ص ۵۲.

انجام می‌شد. (ج ۲، ص ۵۸۹) مصحح به منابعی که شرح حال مؤلف را از آن استخراج کرده اشاره نکرده است. مصحح قبر مؤلف را در جونیپور دانسته است که به نظر بنده این قبر متعلق به شخصی همنام مؤلف است که شیخ وجیهه / وجهه‌الدین اشرف معروف به شیخ فرید بوده است که مشاور سلطنتی محمود شاه شرقی (حک: ۸۴۴-۸۶۴ ق/ ۱۴۴۰-۱۴۵۸ م) بود.

در کتب تاریخی معاصر جونیپور، از جمله تاریخ سلاطین شرقی و صوفیای جونیپور از سید اقبال احمد جونیپوری و تاریخ شیراز هند جونیپور از سید اقبال احمد احوالات این شخص درج شده است. مشخص است که طبق این روایت این دو شخص در دوره‌های مختلف زندگی می‌کردند و مصحح باید به این تشابه اسمی در جونیپور توجه می‌کرد.

یکی از وظایف تدوینی مصحح بحر زخار این بود که منابع و مأخذ مؤلف را استخراج می‌کرد و در مقدمه خود، فهرست آنها را درج می‌کرد و در مورد آنها بحث می‌کرد، ولی در مقدمه دو جلدی که چاپ شده این کار انجام نشده است. شاید در مقدمه جلد سوم به آن توجه شود. مصحح حتی منابع مؤلف را بررسی نکرده تا صحت و سقم وقایع و روایات مندرج را مشخص کند.

بسیاری از مطالب مندرج در تذکره مطالبی است که مؤلف از مردم شنیده است. لازمه تدوین کتاب این بود که مصحح فهرستی از تمام این روایت‌ها را در مقدمه خود درج و در مورد آنها تفحص می‌کرد. مصحح در خواندن نسخه خطی نیز تساهل به خرج داده و در مورد واژه‌های اعلام در منابع دیگر جستجو نکرده است. گاهی واژه غلط را در متن گذاشته و صحیح آن را به عنوان اختلاف نسخه در حاشیه درج کرده است. همچنین کار نمونه خوانی نیز به دقت انجام نشده و موجب شده چندین اشتباه در کتابت پیش آید که همین متن را غیر معتبر ساخته است. برای مثال:

مقدمه جلد ۱، صفحه ۴۴: تخلص میر لطف الله بلگرامی «سحر» درج شده، در حالی که صحیح آن «بیخبر» است. این اشتباه ناشی از قرائت [غلط] متن است. کاش به تذکره‌های مآثر الکرام و سرو آزاد میر آزاد بلگرامی مراجعه می‌شد. آثار بی‌خبر بلگرامی از جمله غبار خواطر و سفینه بی‌خبر معروف‌اند.

جلد ۲، صفحه ۱۴۸: در متن محمد انباسی نوشته شده و در حاشیه محمد رهتاسی که صحیح آن رهتاسی است.

جلد ۲، صفحه ۵۴۵: «خواجه عبدالله احرار»، نام وی عبیدالله

جلد ۲، صفحه ۵۴۷: «بر جنبش بیاضی دیدم» و در حاشیه «جنبش» درج شده که هر دو اشتباه است و «جنبش» صحیح است، یعنی بر پیشانی اش لکه سفیدی دیدم.

جلد ۲، صفحه ۵۵۱: املاي واژه کاسه (پیهاله) دو مرتبه کانسه درج شده. شاید املاي آن بر اساس تلفظ کاتب نوشته شده باشد، ولی املاي معیار نیست.

جلد ۲، صفحه ۵۵۸: «خواند ظهور» که صحیح آن خواند ظهور است.

جلد ۲، صفحه ۵۵۹: «اخذ فوائد از والا بزرگوار خود نمود». در اینجا به جای والا باید والد باشد.

جلد ۲، صفحه ۵۵۹: «مولانا هندو خواجه ترکستانی در رشحات نویسد». همه می‌دانند که رشحات اثر عین الحیات علی بن حسین واعظ کاشفی است و مطالب مربوط از این کتاب نقل شده است. مصحح به نارسایی جمله فوق و اینکه ممکن است برداشت اشتباه از آن صورت گیرد، اهمیتی نداده و جمله را عیناً درج کرده است. مصحح در مقدمه خود املاي واژه «لکهنو» را در چند جا «لاکنو» درج کرده. (ج ۱، ص ۲۲، ۲۳) حتی اگر مصحح تحت تأثیر املاي ایرانی باشد، باز هم باید «لکنو» می‌نوشت.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.

جلد ۲، صفحه ۵۵۹: «مولانا هندو خواجه ترکستانی در رشحات نویسد». همه می‌دانند که رشحات اثر عین الحیات علی بن حسین واعظ کاشفی است و مطالب مربوط از این کتاب نقل شده است. مصحح به نارسایی جمله فوق و اینکه ممکن است برداشت اشتباه از آن صورت گیرد، اهمیتی نداده و جمله را عیناً درج کرده است. مصحح در مقدمه خود املاي واژه «لکهنو» را در چند جا «لاکنو» درج کرده. (ج ۱، ص ۲۲، ۲۳) حتی اگر مصحح تحت تأثیر املاي ایرانی باشد، باز هم باید «لکنو» می‌نوشت.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.

بنده ارادت خاصی به مصحح تذکره بحر زخار خانم دکتر ناهید آذر میدخت صفوی دارم و احترام بسیار برای ایشان قائل هستم. هدف اصلی از آنچه در سطور فوق طرح شد، تنها نشان دادن تعدادی از روایت‌های غیر مستند در تذکره مورد بحث بود. اگر در این میان به نقاط ضعف تصحیح و تدوین پرداخته شد امیدوارم خانم دکتر با بلند نظری که دارند به جنبه مثبت آن بنگرند و بدانند که بنده به هیچ عنوان قصد آزردن خاطر کردن ایشان را نداشتم. امید است مصحح گرامی جلد سوم تذکره بحر زخار را با کیفیت بهتری ارائه دهند.